



تأثیر متغیرهای اجتماعی-اقتصادی بر مشارکت روستائیان در انجام طرح‌های آبخیزداری

یوسف نبی پور^۱، مهدی وفاخواه^{۲*}

۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مهندسی آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس

۲- دانشیار گروه مهندسی آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تربیت مدرس

vafakhah@modares.ac.ir

چکیده

شناسایی موانع و عوامل اجتماعی و اقتصادی در مشارکت با توجه به نقش آن در فرایند توسعه روستایی امر بدیهی است. برای ارائه تصویر روشن‌تر از مسئله به مطالعه پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در مورد موضوع تحقیق پرداخته شد و با در نظر گرفتن مسئله تحقیق و پژوهش‌های مربوط به آن، به بررسی آراء نظریه‌پردازان نوسازی و سرمایه اجتماعی پرداختیم و متغیرهای اجتماعی و اقتصادی موثر برای تحقق مشارکت آبخیزنشینان در نظر گرفته شد. در تبیین عوامل موثر بر مشارکت با استفاده از روش پیمایشی به صورت مشاهده میدانی در قالب پرسش‌نامه به این کار مبادرت شد. حجم نمونه شامل ۱۲۰ سرپرست خانوار می‌باشد. منطقه مورد مطالعه در این تحقیق، حوزه آبخیز حوزه آبخیز نوشان در استان آذربایجان غربی می‌باشد. با تجزیه و تحلیل آماری توسط نرم افزار SPSS مشخص شد که بهره‌برداران انگیزه‌های لازم برای مشارکت را دارا هستند، با این حال می‌توان با استفاده از برنامه‌های توجیهی و ترویجی، مشارکت مساعد و بیشتر و همه جانبه‌تر را از بهره‌برداران انتظار داشت. در این تحقیق متغیرهای سن، میزان درآمد، نوع مشارکت، خوش‌بینی، آگاهی از اهمیت و اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران و تطابق بین اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران با میزان مشارکت بهره‌برداران هیچ رابطه معنی داری را نشان نداد.

کلمات کلیدی: آبخیزنشینان، طرح‌های آبخیزداری، متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، مشارکت، آبخیز نوشان.

مقدمه

مفهوم مشارکت همانند توسعه دارای مفاهیمی گسترده و کلی است که ماهیت آن از یک سو به شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه و از سوی دیگر به اهداف، برنامه‌ها و برداشت‌های مختلف بستگی دارد و جامع‌نگری و نگرش سیستمی لازمه رسیدن به مشارکت و توسعه پایدار است. مشارکت مهم‌ترین هدف توسعه و عمران روستایی است که با تعدادی از متغیرهای اجتماعی-اقتصادی همبستگی دارد و به طور مستقیم و غیر مستقیم، تحت تأثیر آنهاست (کلانتری، ۱۳۷۴). تفکیک مفهوم مشارکت از بعضی از مفاهیم توسعه روستائی، غیر ممکن است. در واقع به نظر کارشناسان، مشارکت یک عنصر کلیدی در توسعه روستائی است، تنها اگر بتوان آن را در فرآیند توسعه گنجانید (عمادی و عباسی، ۱۳۸۳). مشارکت جامعه سبب کاهش هزینه‌ها در جمع‌آوری اطلاعات، تعیین راهکارها، توافق و تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می‌گردد. لذا مردم، منابع و مشارکت، سه رکن توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. مشارکت بیشتر و مؤثرتر مردم در صورتی قابل انتظار است که تطابق بیشتری بین نیازهای مردم و هدف پروژه وجود داشته باشد.



آبخیزداری به عنوان فرآیند تنظیم و اجرای مقدماتی برای اداره منابع یک آبخیز، با هدف فراهم آوردن خدمات و محصولات بدون آسیب رساندن به منابع آب و خاک تعریف شده است و در برنامه‌های آبخیزداری معمولاً بایستی عوامل اجتماعی، اقتصادی و سازمانی مؤثر در داخل و خارج آبخیز را نیز در نظر گرفت (سنگ، ۱۳۷۶). آبخیزداری یکی از راهکارهای مهم و اساسی برای مقابله با مشکلاتی از قبیل سیلاب، خشکسالی، فرسایش و کاهش حاصلخیزی خاک می‌باشد. طرح‌های آبخیزداری در قالب مطالعات انجام شده و در مراحل مختلف در آبخیزهای کشور توسط واحد اجرا به صورت‌های مختلف به مرحله اجرا گذاشته می‌شوند، به طوری که موفقیت طرح‌های آبخیزداری در گرو اهداف چند منظوره آن در سطوح مختلف فنی، اجتماعی، سیاسی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۶). یکی از مشکلات پیش‌رو در کشورمان در زمینه طرح‌های آبخیزداری این است که مجری طرح به دلیل عدم شناخت کافی مردم با این قبیل طرح‌ها و اهداف آن‌ها، شاهد تقابل مردم با این طرح‌ها می‌باشد. توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی حوزه‌ها نقش تعیین کننده‌ای در درجه موفقیت و یا شکست طرح‌های آبخیزداری دارد که متأسفانه به این مهم کمتر توجه شده است. ضمن آنکه توجیه اقتصادی طرح‌ها جزء ضروری‌ترین اقدامات لازم می‌باشد.

یکی از مباحث عمده اجتماعی، مشارکت مردم و میزان آن در فعالیت‌های مختلف عمرانی و توسعه‌ای می‌باشد؛ زیرا زمانی یک پروژه عمرانی می‌تواند زیربنای توسعه یک منطقه واقع شود که علاوه بر پذیرش مردم، مشارکت آنان را نیز به همراه داشته باشد. چرا که هدف از اجرای هر نوع پروژه عمرانی و توسعه‌ای، مردم و به بیان دیگر بهره برداران هستند. مشارکت کشاورزان کلید موفقیت بیشتر طرح‌های آبخیزداری در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، زیرا مناطق بالادست این کشورها به طور زیاد توسط خرده مالکین اشغال شده است. کشاورزان معمولاً با تنگناهایی روبرو هستند که مانع مشارکت آنها در یک طرح می‌گردد. به طور مثال ممکن است آنها به طور کامل اهداف آبخیزداری را درک نکرده باشند، یا وضعیت اقتصادی آنها ممکن است اجازه خطرپذیری را به آنها ندهد و همچنین ممکن است آنها به منافع آبی از زمین خود علاقه بیشتری داشته باشند تا حفاظت خاک برای استفاده آینده (قاسمی، ۱۳۸۴).

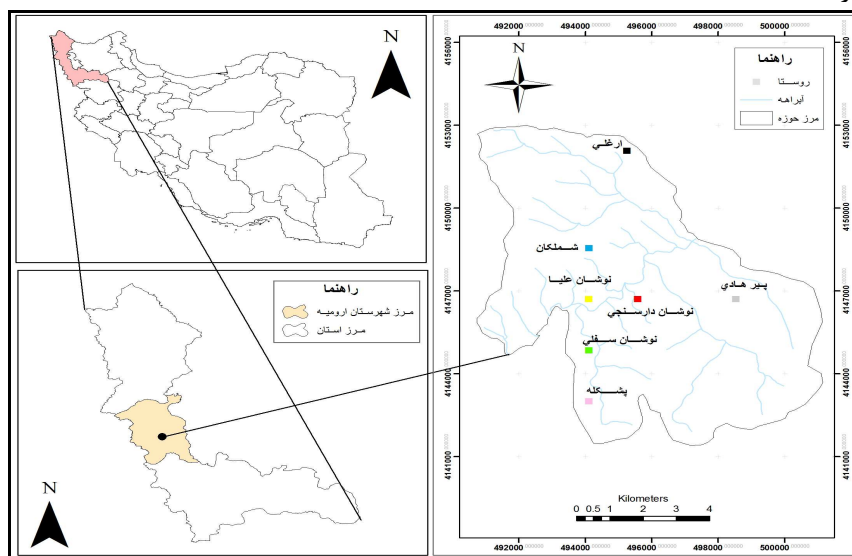
حال آنکه بهره برداری توأم با تجدید حیات منابع طبیعی، از اساسی‌ترین دستاوردهای جوامع پیشرفته صنعتی است که متضمن رعایت مسائل حفاظت و تأمین شرایط لازم و مناسب در آنهاست. تحولات دو دهه اخیر در ایران ضرورت مشارکت مردم در امر احیاء و مدیریت منابع طبیعی را ملموس‌تر ساخته و کاهش مشکلات بدون مشارکت مستقیم مردم میسر نخواهد بود (خلیقی و همکاران، ۱۳۸۵، ۷۴۲). از سوی دیگر شناخت عوامل و انگیزه‌های مشارکت از پارامترهای مهم و اساسی در بررسی میزان تمایل به مشارکت بهره برداران و روستاییان می‌باشد. امروزه می‌توان گفت که مردم به عنوان ذینفعان و عاملان اصلی توسعه با مشارکت فعال خود در همه مراحل برنامه ریزی به ویژه مدیریت توسعه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶).

یکی از دلایل شکست برنامه‌های مدیریتی در سطح آبخیز، عدم پذیرش فعالیت‌ها برای آبخیزنشینان می‌باشد؛ به طوری که در رویکرد ارزیابی و مدیریت یکپارچه آبخیز، توجه به سلامت اقتصادی و اجتماعی جامعه آبخیزنشین ضروری است. در این راستا مطالعه اثرات اجتماعی و اقتصادی از جمله بخش‌های مهم در مطالعات مربوط به مدیریت آبخیز تلقی می‌گردد (Jakman و همکاران، ۲۰۰۵). در این تحقیق سعی شده است تا تأثیر میزان آگاهی مردم منطقه نوشان در میزان مشارکت آنها در طرح‌های آبخیزداری با استفاده از پرسشنامه‌های تدوین شده که حاوی سؤالات و اطلاعاتی از وضعیت بهره برداران بوده و توسط خود بهره برداران پاسخ داده شده است، مورد بررسی قرار گیرد.



مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه زیرحوزه نوشان در استان آذربایجان غربی و در محدوده سیاسی شهرستان ارومیه می‌باشد. مساحت محدوده مورد مطالعه در حدود ۷۵۰۰ هکتار می‌باشد و جزء حوزه آبخیز رودخانه شهرچای ارومیه می‌باشد. شکل ۱ موقعیت این آبخیز را نشان می‌دهد. به منظور تعیین روش گردآوری اطلاعات و منابع داده‌های موجود، پیمایش مبتنی بر پرسش‌نامه، مصاحبه، گردآوری و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel انجام گرفت. پرسشنامه‌های تدوین شده با منابعه حضوری و مصاحبه با خانوارها تکمیل گردید. اطلاعات و آمارهای بدست آمده از پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار Excel طبقه بندی و کارهای آماری توسط نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. آزمون پایایی با استفاده از پرسشنامه‌های اولیه انجام گرفت و مقدار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بدست آمد. با توجه به فرمول کوکران، حجم نمونه مورد نظر برای انجام تحقیق ۳۶ عدد تعیین گردید ولی با توجه به تعداد اندک خانوارها، نصف خانوارهای حوزه، برای حجم نمونه انتخاب و پرسشنامه‌ها تعیین و توزیع گردیدند. لازم به ذکر است که در مرحله دوم تعداد ۱۲۰ پرسشنامه توزیع گردید که با توجه به مخدوش و ناقص بودن، ۱۵ پرسشنامه حذف گردید و کارهای آماری مورد نظر با استفاده از ۱۰۵ پرسشنامه انجام گرفت



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

متغیرهای تحقیق شامل متغیرهای وابسته و مستقل می‌باشد. در تحقیق حاضر میزان تمایل بهره برداران به مشارکت در طرح‌های آبخیزداری و مرتعداری، متغیر وابسته می‌باشد که با توجه به پرسشنامه‌های پر شده توسط بهره برداران، امتیاز لازم داده شد و توسط نرم افزار SPSS تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت (متغیر وابسته) بررسی گردید. متغیرهای مستقل بر اساس ویژگی‌های خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بهره برداران به گونه‌ای تعیین گردیدند که تأثیرشان بر روی متغیر وابسته مشاهده گردد. این متغیرها شامل سن، سطح سواد، دانش فنی، میزان درآمد، نوع مشارکت، انگیزه جهت مشارکت، مشارکت اجتماعی و تعامل با سایر افراد روستا، پیامد اجتماعی مشارکت، تقدیرگرایی، خوش بینی، موفقیت مداری، میزان خدمات ترویجی، ارتباط با کارکنان منابع طبیعی، آگاهی از اهمیت و اهداف طرح‌ها، تطابق بین اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران، مشورت با بهره برداران قبل از اجرای طرح‌ها، دخالت در تعیین نوع و مشخصات طرح‌ها و اعتماد بهره برداران نسبت به مجریان طرح‌ها بودند.



آزمون آماری مورد استفاده در این تحقیق ضریب همبستگی اسپیرمن می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی آماری تعیین رابطه بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول ۱ ارائه شده است.

با توجه به همبستگی اسپیرمن، بین متغیر سن و مشارکت همبستگی منفی وجود داشته و رابطه معنی‌داری وجود ندارد. سطح سواد بهره‌برداران با مشارکت دارای همبستگی مثبت بوده و رابطه معنی‌داری بین این دو وجود دارد. یعنی بالاتر بودن سطح سواد بهره‌برداران به اهمیت بیشتر آنان به مشارکت منتهی شده در نتیجه به خوبی آن را می‌پذیرند. این نتیجه با مطالعات Finsterbusch و Wicklin (۱۹۸۹)، Fortman و Kusel (۱۹۹۰)، Ekpe (۱۹۹۴)، Lise (۲۰۰۰)، جلالی و کرمی (۱۳۸۵) و موسائی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. متغیر دانش فنی با میزان مشارکت افراد همبستگی مثبت داشته و معنی دار می‌باشد. لذا با توجه به این نتیجه می‌توان گفت هر چه آشنایی افراد با کارها و فعالیت‌های مورد نظر در آبخیزداری بیشتر باشد، بهتر و بیشتر مشارکت خواهند نمود. این نتیجه منطبق با نتایج مطالعات Finsterbusch و Wicklin (۱۹۸۹)، جلالی و کرمی (۱۳۸۵) و موسائی و همکاران (۱۳۸۸) می‌باشد.

متغیر میزان درآمد با مشارکت هیچ نوع رابطه‌ای را نشان نداد. با توجه به نوع هدف و سؤال پرسیده شده که آیا مشارکت در جهت بهبود درآمد کارآمد خواهد بود طبیعی به نظر می‌رسد که این متغیر رابطه‌ای با مشارکت نداشته باشد. زیرا بهره‌برداران نتایج حاصل از اجرای عملیات‌ها را به خوبی لمس نکرده‌اند و در این راستا برگزاری کلاس‌ها و جلسات ترویجی و توجیهی لازم است تا اهداف نهایی طرح‌ها پس از اجرا و میزان درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم حاصل از آن‌ها برای بهره‌برداران روشن‌تر گردد. برای نوع مشارکت نیز هیچ نوع رابطه‌ای مشاهده نشد و می‌توان گفت که بهره‌برداران لزوم این نوع طرح‌ها و عملیات‌ها و اینکه در نفع و همسو با اهداف آنان در آینده خواهد بود را هنوز به خوبی متوجه نشده‌اند. بهره‌بردار هر گاه احساس کند کار انجام یافته در هر صورتی متوجه او خواهد بود، از هیچ کوشش و مشارکتی دریغ نخواهد کرد. متغیر انگیزه جهت مشارکت، وجود رابطه معنی‌داری را با مشارکت نشان داد. نتایج حاصل از تحقیقات ملک محمدی (۱۳۷۴)، خاتون آبادی و همکاران (۱۳۸۰) و موسائی و همکاران (۱۳۸۸) نیز با نتیجه حاصل همسو می‌باشد.

مشارکت اجتماعی و تعامل با سایر افراد روستا دارای همبستگی مثبت بوده و رابطه‌ای معنی‌دار را با میزان مشارکت نشان داد. این نتیجه مؤید اجتماعی بودن افراد است. نتیجه حاصل از تحقیق موسائی و همکاران (۱۳۸۸) نیز این مطلب را تأیید می‌کند. متغیر پیامد اجتماعی مشارکت، دارای همبستگی مثبت و وجود رابطه معنی‌دار با مشارکت می‌باشد. این نتیجه با نتایج مطالعات Fliescher و Applebaum (۱۹۹۲)، Lorendhal (۱۹۹۶)، جلالی و کرمی (۱۳۸۵) هم‌خوانی دارد. با توجه به اهداف و جنبه‌های فعالیت‌ها و طرح‌های آبخیزداری، انتظار مشارکت اجتماعی بهره‌برداران در این زمینه می‌رود.

تقدیرگرایی با دارا بودن همبستگی منفی، رابطه‌ای معنی‌دار را با میزان مشارکت بهره‌برداران دارا است. این مسئله نشان می‌دهد که کلیه فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی و آبخیزداری و حتی امور روزمره در روستاها کاملاً به همت و توان خود بهره‌برداران بستگی داشته و دارد. این نتیجه کاملاً همسو با نتیجه جلالی و کرمی (۱۳۸۵) می‌باشد. متغیر خوش‌بینی هیچ نوع رابطه معنی‌داری را با میزان مشارکت نشان نداد. اما متغیر موفقیت‌مداری برعکس خوش‌بینی، دارای رابطه معنی‌داری با مشارکت می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که بهره‌برداران به کار خود ولو با تمام شرایط سخت ایمان دارند و به تلاش خود ادامه می‌دهند. میزان خدمات ترویجی دارای همبستگی مثبت و معنی دار با میزان مشارکت است. خدمات ترویجی



سطح آگاهی افراد را بالا برده و در نتیجه زمینه‌های مساعد برای مشارکت را فراهم می‌آورد. لذا خدمات ترویجی در قالب آموزش‌های انفرادی، گروهی و اجتماعی بسیار مفید و مثمر ثمر خواهد بود. نتایج حاصل از تحقیقات Ekpe (۱۹۹۴)، Ladele و همکاران (۱۹۹۴)، Lise (۲۰۰۰)، جلالی و کرمی (۱۳۸۵) و موسائی و همکاران (۱۳۸۸) نیز مؤید همین نتیجه است.

جدول ۱- نتایج حاصل از میزان مشارکت افراد با توجه به آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن

ردیف	متغیر	ضریب همبستگی	مقدار معنی داری (sig)	سطح معنی داری
۱	سن	- ۰/۷۴	۰/۱۵۷	-
۲	سطح سواد	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	**
۳	دانش فنی	۰/۲۳۶	۰/۰۰۴	**
۴	میزان درآمد	۰/۲۱	۰/۴۸	-
۵	نوع مشارکت	۰/۰۱۶	۰/۷۰	-
۶	انگیزه جهت مشارکت	۰/۴۱۵	۰/۰۰۰	**
۷	مشارکت اجتماعی و تعامل با سایر افراد روستا	۰/۳۴۲	۰/۰۰۲	**
۸	پیامد اجتماعی مشارکت	۰/۲۸	۰/۰۰۰	**
۹	تقدیرگرایی	- ۰/۰۱۸	۰/۰۰۰	**
۱۰	خوش بینی	۰/۰۸	۰/۲۱۲	-
۱۱	موفقیت مداری	۰/۱۵۵	۰/۰۳۲	*
۱۲	میزان خدمات ترویجی	۰/۵۶۷	۰/۰۰۰	**
۱۳	ارتباط با کارکنان منابع طبیعی	۰/۱۲	۰/۰۰۱	**
۱۴	آگاهی از اهمیت و اهداف طرح‌ها	۰/۰۳۹	۰/۸۸	-
۱۵	تطابق بین اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره برداران	۰/۱۹۶	۰/۰۶۱	-
۱۶	مشورت با بهره برداران قبل از اجرای طرح‌ها	۰/۷۵۲	۰/۰۰۰	**
۱۷	دخالت در تعیین نوع و مشخصات طرح‌ها	۰/۳۱۲	۰/۰۰۰	**
۱۸	اعتماد بهره برداران نسبت به مجریان طرح‌ها	۰/۲۷۴	۰/۰۱۶	*

توضیح: ** معنی داری در سطح ۰/۰۱ درصد، * معنی داری در سطح ۰/۰۵ درصد



ارتباط با کارکنان منابع طبیعی و مشارکت، همبستگی مثبت داشته و معنی‌دار می‌باشد. با توجه به ارتباط مطلوب کارکنان منابع طبیعی با بهره‌برداران می‌توان پاسخ مناسب و درخور شایسته‌ای هم‌چون مشارکت را دریافت نمود. نتیجه حاصل، با نتایج تحقیقات Cramer و Kennedy (۱۹۹۳) و جلالی و کرمی (۱۳۸۵) که تأثیر رفتار و ارتباط کارکنان منابع طبیعی با ساکنین روستا و بهره‌برداران را مثبت ارزیابی نموده‌اند، همسو می‌باشد. متغیر آگاهی از اهمیت و اهداف طرح‌ها با توجه به همبستگی مثبت موجود، هیچ نوع رابطه معنی‌داری را نشان نداد ($P=0/88$). این مطلب حاکی از آن است که بهره‌برداران وجود این نوع فعالیت‌ها و طرح‌ها را به خوبی مشاهده نکرده‌اند. و با این‌که انگیزه‌های لازم برای مشارکت را نیز دارا می‌باشند ولی تاکنون اهداف نهایی این طرح‌ها برای بهره‌برداران روشن نگردیده است. تطابق بین اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران نیز رابطه معنی‌داری را با مشارکت نشان داد؛ بدین معنی که بهره‌بردار نسبت به مسائلی که از پیش با او در میان گذاشته شود بهتر و مناسب‌تر مشارکت خواهد نمود. نتیجه حاصل از تحقیقات ملک محمدی (۱۳۷۴) این مطلب را تأیید می‌کند. متغیرهای دخالت در تعیین نوع و مشخصات طرح‌ها و اعتماد بهره‌برداران نسبت به مجریان طرح‌ها، دارای همبستگی مثبت و رابطه‌ای معنی‌دار با میزان مشارکت هستند.

به‌طور کلی می‌توان گفت، مشارکت شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی است و در مفهوم گسترده به معنای برانگیختن حساسیت مردم و افزایش توان روستائیان جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی است. اما تعریف عمومی از مشارکت به بسیج مردم برای به عهده گرفتن طرح‌های اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود. در زمینه توسعه روستائی، مشارکت شامل دخالت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اجرای طرح‌ها و بهره‌بری آنها از منافع طرح‌های توسعه و مداخله آنها در ارزیابی این گونه طرح‌ها می‌باشد. به منظور پیشبرد اهداف توسعه‌ای روستائی، همواره باید با مردم محلی و ساکنین حوزه هماهنگی و توجیه لازم صورت گیرد و حتی الامکان زمینه‌های مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ای خصوصاً طرح‌های حفاظت خاک و آبخیزداری به عنوان طرح‌هایی که در جهت منافع بهره‌برداران می‌باشد، فراهم گردد. از طرفی نیز شناخت عوامل و انگیزه‌های مشارکت از پارامترهای مهم و اساسی در بررسی میزان و تمایل به مشارکت بهره‌برداران و روستائیان می‌باشد. با توجه به نتایج حاصله در این تحقیق می‌توان ادعا داشت که بهره‌برداران انگیزه و توان مشارکت در طرح‌ها و فعالیت‌های آبخیزداری را دارا می‌باشند؛ ولی نکته مهم و اساسی بالا بردن سطح آگاهی افراد و بهره‌برداران نه در جهت چگونگی انجام کار، بلکه در اهداف پیش رو می‌باشد، تا با انجام مشارکت و پیش بردن این قبیل طرح‌ها مستلزم تلاش بیشتر و همکاری مضاعف مجریان و بهره‌برداران خواهد بود. از میان متغیرهای این تحقیق، متغیرهای سن، میزان درآمد، نوع مشارکت، خوش‌بینی، آگاهی از اهمیت و اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران و تطابق بین اهداف طرح‌ها و نیازهای بهره‌برداران معنی‌دار نبودند. لذا به خوبی می‌توان احساس کرد که بهره‌برداران هنوز به خوش‌بین بودن به آینده در نتیجه اجرای این فعالیت‌ها توسط خود، واقف نشده‌اند. لذا خدمات ترویجی باید در این راستا و هدف مشخص دنبال گردد تا بهره‌بردار بتواند نتیجه حاصل را که در سال‌های آینده حاصل خواهد شد به خوبی لمس کرده و مشارکت خود را مرحله به مرحله منسجم‌تر کند.

منابع

احمدی، ح.، (۱۳۸۶). پایش و ارزیابی، مهمترین فرآیند در مدیریت پایدار حوزه آبخیز، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی علوم و مهندسی آبخیزداری، دانشگاه تهران، کرج، ۳ تا ۴ اسفند.



- افتخاری، ع.، سجادی، ع.، و فیاضی، ج.، (۱۳۸۴)، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار، نشریه روستا و توسعه، ۱۰ (۲): ۲۴-۴۱.
- جلالی، م.، و کرمی، ع.، (۱۳۸۵). تعیین عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در تعاونی‌های مرتعداری استان کردستان، پژوهش و سازندگی در زراعت و باغبانی، ۷ (۱): ۳۵-۴۵.
- خاتون‌آبادی، ا.، امینی، ا.م.، و میرزاعلی، ع.ط.، (۱۳۸۰)، عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع آق قلا در استان گلستان، علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۵ (۱): ۳۹-۵۴.
- شنگ، تی.سی.، (۱۳۷۶)، "راهنمای آبخیزداری، مطالعات و برنامه ریزی حوزه های آبخیز"، ترجمه علی نجفی نژاد، انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- عمادی، م.ج.، و عباسی، ا.، (۱۳۸۳)، دانش بومی و توسعه پایدار- چاره‌ها و چالش‌ها، نشریه روستا و توسعه، ۵۴: ۲۸-۴۹.
- قاسمی، م.ع.، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی، مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان، فصلنامه علمی- پژوهشی روستا و توسعه، ۸ (۴): ۷۹-۱۱۲.
- کلانتری، خ.، (۱۳۷۴)، مشارکت، استراتژی جدید در توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۷۹-۱۷۸.
- ملک محمدی، ا.، (۱۳۷۴)، تحقیقی پیرامون شاخص‌های مشارکت مردمی در مدیریت منابع طبیعی، جنگل و مرتع، ۲۹: ۲۴-۳۳.
- موسائی، م.، ملک محمدی، ا.، حسینی، س.ج.، و میردامادی، س.م.، (۱۳۸۸)، ویژگی‌های مؤثر بر مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های آبخیزداری، مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران (مدیریت پایدار بلایای طبیعی)، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران، ۸ تا ۹ اردیبهشت.
- Cramer, L.A., Kennedy, J.J. (1993), Changing Forest Service Values and Their Implications for Land Management Decisions Affecting, *Journal of Rural Sociology*, 53 (3): 475-491.
- Ekpe, E., (1994), Major Factor Affecting Development of Farmers Cooperatives in Selected Local Government Areas of Ogunstatem, *Journal of Rural Development and Administration*, 26 (2): 21-32.
- Finsterbusch, K., Wickin, W.A.V., (1989), Beneficiary Participation in Development Project: Empirical Tests of Popular Theories, *Journal of Economics Development and Cultural Change*, 37: (3): 573-594.
- Fliescher, A., Applebaum, L., (1992), Spatial Differences in the Labour Force Participation of Married Women, *Journal of Rural Studies*, 8 (3): 293-302.
- Fortmann, L., Kusel, J., (1990), New Voices, Old Belifes: Forest Environ, Entalism Among New and Long-Standing Rural Residents, *Rural Sociology Journal*, 55 (2): 214-232.
- Jakman, A.J., Letcher, R.A., Rojanasoonthon, S., Cuddy, S., (2005). A knowledge for River Basin Management, Progress in Tailand, ACIAR, 220 pp.
- Ladele, A.A., Olowo, T., Igodan, C., (1994), Socio-Economic Impact of Agricultural Cooperative Organizations Empirical Evidence From Nigeria, *Journal of Rural Development and Administration*, 26: 1-15.
- Lise, W., (2000), Factors Influencing Peoples Participation in Forest Management in India. *Journal of Ecological Economics*, 34: 379-392.
- Lorendhal, B., (1996), New Cooperatives and Local Development, A Study of Six Cases in Jamtland, Sweden, *Journal of Rural Studies*, 12 (2): 143-150.